

حمامی که گود زورخانه شد

قصه درشکه‌خانه ارباب تقی و تیماردار اسب



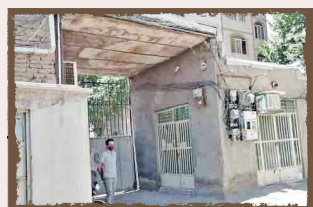
■ موضوع: کاروانسرای متروکه اسدی
■ ویژگی: تنها مرکز حمل‌ونقل محله

آن زمان که خبری از آسفالت نبود و خیابان‌ها خاکی بود، تنها وسیله نقلیه‌ای که در خیابان‌ها تردد می‌کرد و مردم می‌توانستند از آن برای رفت‌وآمد در مسافت‌های طولانی استفاده کنند، درشکه بود. اهالی دولا ب خاطرات بسیاری از گاراژ مترو که عریض و طویلی دارند که در گذشته به کاروانسرای اسدی معروف بود و انتهای خیابان شکوفه قرار داشت. عده‌ای معتقدند اینجا درشکه‌خانه بوده و عده‌ای هم می‌گویند در سال‌های دور به عنوان کاروانسرا از آن استفاده می‌شده است.

تقی هاشمی دولا بی که خاطرات بسیاری از درشکه‌خانه ارباب تقی دارد، می‌گوید: «فردی به نام ارباب تقی اینجا را به درشکه‌خانه تبدیل کرد. زمینش را اهالی خود دولا ب وقف کرده بودند. در گذشته افراد خیر و بزرگان محله بخشی از املاک خود را وقف می‌کردند تا با این سنت حسنه، مردمی که توان مالی کمتری دارند بتوانند از امکاناتی مانند حمام، آب‌انبار، مسجد و... استفاده کنند. به همین دلیل و طبق این سنت حسنه، ارباب تقی مکانی را اجاره و به درشکه‌خانه تبدیل کرد. درشکه‌ها از خیابان خاوران که آن زمان خاکی بود حرکت می‌کردند تا به درشکه‌خانه برسند. کرایه هم بر مبنای مسافت و محلی که سوار درشکه شده بودند از مسافران گرفته می‌شد. کرایه‌ها از یک شاهی تا ۳ شاهی بود. درشکه‌ها از میدان خراسان، میدان شوش و میدان شهدا حرکت می‌کردند.»

حاج تقی هاشمی ادامه می‌دهد: «ایستگاه درشکه‌ها برای سوار شدن مردم، کنار قهوه‌خانه‌ها بود. هر درشکه ۳ نفر ظرفیت داشت و ۲ نفر روی رکاب می‌نشستند، اما گاهی هم که درشکه‌ها دیر به ایستگاه می‌رسیدند، خانواده‌ها با تعداد بیشتری سوار درشکه‌ها می‌شدند. گاهی پیش می‌آمد چرخ درشکه در میانه راه در چاله‌ای گیر می‌کرد و می‌شکست. گاهی هم اسب‌ها در اثر ضرباتی که درشکه‌ران به آنها وارد می‌کرد، رم می‌کردند. در هر صورت درشکه‌سواری سختی‌هایی هم داشت، اما سوار شدن در درشکه با خنده و شادی بچه‌ها همراه بود.»

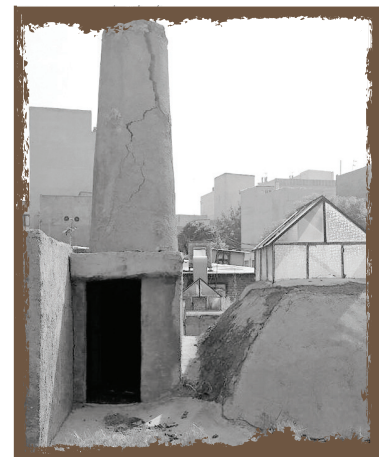
آخرین ایستگاه درشکه‌ها که استراحتگاه اسب‌ها هم به شمار می‌آمد، درشکه‌خانه ارباب تقی بود. معمولاً فردی هم تیماردار اسب‌ها بود تا روز بعد تازه نفس شوند و مسافران را سوار بر درشکه جابه‌جا کنند.



طنین صوت «هو» در فضا حلال و هوایی متفاوت از حمام این بار در نقش گود پهلوانی برای این بنا خلق کرد و محله دولا ب یکی از محله‌های خوش‌اقبال بود که صاحب زورخانه شد. ورزشگاه همزمان با ایام دهه فجر سال ۱۳۹۳ به یاد دلبران و پهلوانان واقعی ایران افتتاح شد و بخش بزرگی از فعالیت آن به زورخانه اختصاص یافت. هرچند که این روزها با راه افتادن ورزشگاه‌های مختلف در این محله، این زورخانه نیز رونق روزهای رفته را ندارد.

می‌شد و بخشی نیز صرف کمک به مستضعفان محله. قدمت ساخت حمام در محله دولا ب به اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی برمی‌گردد. تا رویدادهای جنگ جهانی دوم و اشغال تهران به دست نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ شمسی، بر سر در گرمابه پیر، کاشی لاجوردی‌ای دیده می‌شد که تاریخ ساخت این سازه را کندند و با خود بردند. این حمام صبح‌ها زنانه و عصرها مردانه بود. با گذشت زمان و رفت‌وآمد افراد سرشناس، محله توسعه پیدا کرد و بنای حمام به ۲ بخش تقسیم شد؛ بخش کهن و بخش جدید.

از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ که اهالی در خانه‌هایشان حمام ساختند، حمام دولا ب رونق قدیم خود را از دست داد و دیگر از آن استفاده نشد. در سال‌های اخیر به واسطه معماری زیبا در بخش قدیمی حمام (سکوهایی پیرامون یک فضای باز مرکزی) این امکان فراهم شد تا از این فضا به عنوان زورخانه استفاده شود. طاق‌ها، سقفی که نور از آسمان می‌گیرد، کاشی‌های آبی و



■ موضوع: گرمابه قدیمی و زورخانه دولا ب
■ ویژگی: ۲۰۰ سال قدمت

ساخت حمام «ماندگار» محله دولا ب، ماجرای خواندنی و شنیدنی دارد؛ روایت زائری که هزینه سفر زیارت خانه خدا را برای رفاه بنده‌های خدا، صرف بنا کردن حمام محله دولا ب کرد؛ حمامی که اگر مانند نامش باقی می‌ماند اکنون بیش از ۲۰۰ سال قدمت داشت. حاج هادی دولا بی، از قدیمی‌های دولا ب، در این باره نقل می‌کند: «در گذشته، تعداد کمی از مردم، توان رفتن به حج را داشتند و هزینه زیادی هم می‌طلبید. سال‌ها طول می‌کشید و هزینه زیادی هم می‌طلبید. روزی یکی از مسافران حج که مسیرش به دولا ب افتاده بود، از نبود حمام در این محله باخبر شد و با تمام ارج و قربی که برای سفر حج قائل بود، تصمیم گرفت به سفر حج نرود و هزینه این سفر را صرف ساخت حمام در این مکان کند. حمام ساخته و وقف عام شد. بخشی از درآمد حاصل از حمام صرف نگهداری و تعمیرات خود حمام

پاتوق بستنی‌فروشان تهران

■ موضوع: یخچال مشهور دولا ب

■ ویژگی: قدمت تاریخی و ایجاد شغل برای ساکنان قدیمی

محله دولا ب در سالیان نه‌چندان دور، یخچال‌های طبیعی و دست‌ساز با معماری ویژه داشت که در فصل گرما، نیاز به یخ اهالی محله و شهر تهران را تأمین می‌کرد.

هوای مطبوع دولا ب و زمین‌های وسیع این محله، زمینه‌ساز ایجاد یخچال‌های متعدد در این محله شد و تعداد زیادی از اهالی دولا ب در این یخچال‌ها مشغول به کار شدند. طولی نکشید که ساکنان قدیمی در کنار کشاورزی، کسب‌وکار جدید به راه انداختند و به فروش و توزیع یخ در اینجا و آنجا شهر پرداختند. محضری، قوامی، حاج یعقوب و قسراب نام برخی از یخچال‌های قدیمی این محله بودند که در مسیر بزرگراه شهید محلاتی فعلی کنار یکدیگر قرار داشتند. سیدعلی متبحری، از ساکنان قدیمی محله دولا ب، درباره یخچال‌های قدیمی این محله می‌گوید: «بیشتر بستنی‌فروش‌های شهر تهران به این محله می‌آمدند تا از یخ اینجا برای خنک‌نگه‌داشتن مخزن‌گاری‌های بستنی خود استفاده کنند. یخ یخچال‌های قدیمی را

«گوارایی» هم می‌گفتند و این قالب‌های خنک، یکی از مرغوب‌ترین یخ‌های تهران بود. آبی را که از قلهک به سمت دولا ب می‌آمد به این کانال‌ها هدایت می‌کردند تا آب مورد نیاز یخچال‌ها تأمین شود. صاحبان یخچال‌ها در اواخر پاییز حوضچه‌ها را از آب لبریز می‌کردند و منتظر می‌ماندند تا زمستان از راه برسد. وقتی سرمای استخوان‌سوز قدیم فرا می‌رسید، آب داخل حوضچه یخ می‌بست. سپس اوایل بهار کارگران یخچال با وسایل مخصوص مشغول جمع‌آوری یخ‌ها می‌شدند و آنها را به قطعات کوچک تقسیم می‌کردند تا در فصل گرما به خریداران عرضه کنند. گاهی وزن قالب‌های یخ، به ۱۰۰ کیلوگرم هم می‌رسید.»

متبحری درباره فراموش شدن این هویت‌های تاریخی

محله می‌گوید: «یخچال‌های این محله مستطیل شکل بودند و نسبت عرض به طول آنها یک به چهار و گاهی به هشت و نه هم می‌رسید. دیوار یخچال‌ها بسیار بلند و از جنس چینه گلی بود که استحکام بالایی داشت. اواخر دهه ۴۰ زمان خداحافظی با این یخچال‌ها رسید. کم‌کم یخچال‌های خانگی جزو اسباب‌ضروری خانه‌ها شد و دیگر کسی برای خرید یخ سراغ این یخچال‌ها نمی‌آمد. به همین خاطر این یخچال‌های محلی هویت خود را از دست دادند و مخروبه شدند. بعد از این دهه، دیگر نه سایه‌ای از آن دیوارهای بلند یخچال‌ها دیده شد و نه خبری از کسب‌وکار یخ‌فروشی بود و با خراب شدن دیوار یخچال، بچه‌های محل در این زمین‌ها تپله و فوتبال بازی می‌کردند.»

